
تحول تاریخی نگاهت استعاری قلمروهای مفهومی شهر و تئاتر؛ از پولیس تا شهر مدرن

- رفیق نصرتی [نویسنده مسوول]
- بهروز محمودی بختیاری
- محمدباقر قهرمانی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۲/۲۵ | تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۰۴/۲۹

تحول تاریخی نگاشت استعارای قلمروهای مفهومی شهر و تئاتر؛ از پولیس تا شهر مدرن

رفیق نصرتی | دانشجوی دکتری تئاتر پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

بهروز محمودی بختیاری | دانشیار گروه هنرهای نمایشی پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

محمدباقر قهرمانی | دانشیار گروه هنرهای نمایشی پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

چکیده

تعریف استعاره‌های شناختی در زبان‌شناسی شناختی، نگرش معمول در باب استعاره‌ها که آن‌ها را تنها آرایه‌هایی ادبی و مربوط به قلمرویی ورای زبان روزمره می‌داند، متحول کرده است و استعاره‌ها را واجد کارکردی شناختی می‌داند که تبیین‌کننده نحوه نگرش گویشوران یک زبان به زیست-جهان پیرامون‌شان است. زبان‌شناسی شناختی برخلاف نظریه‌های کلاسیک، استعاره‌ها را موضوعی زبانی تلقی نمی‌کند بلکه بر این باور است که استعاره‌ها به حوزه اندیشه تعلق دارند و در آن‌ها نگاهت‌های کلی مربوط به قلمروهای مفهومی اتفاق می‌افتد. در این نگره، کاربرد استعاره‌ها واجد نوعی مفهوم‌سازی است. مسأله این مقاله تبیین تحولی است که در رابطه شهر و تئاتر از خلال گذار از آتن دوران یونان باستان به شهر در دوران مدرن رخ می‌دهد بر مبنای نگرش به استعاره در پارادایم شناختی. مطالعه رابطه شهر و تئاتر در دوران یونان باستان نشان می‌دهد؛ گزاره «تئاتر پولیس است» که در آن برای فهم تئاتر از استعاره پولیس استفاده می‌شود بر بنیان رابطه این دو پدیده حاکم است. در حالی که در شهرهای مدرن این رابطه با گزاره‌ای معکوس تبیین می‌شود که در آن تأکید می‌شود «شهر تئاتر است». بر اساس صورت‌بندی نظری استعاره در زبان‌شناسی شناختی، این مقاله نتیجه گرفته است، گزاره «تئاتر پولیس است» در آتن قرن پنجم ق.م روشن‌کننده درک شناختی سوژه‌های زیست-جهان آتنی از تئاتر به عنوان نوعی قلمرو مفهومی انتزاعی است که باید برحسب پولیس که قلمروی عینی و تجربه شده بود درک می‌شد. در حالی که با ورود به دنیای مدرن این گزاره معکوس می‌شود و به شکل «شهر تئاتر است» درمی‌آید. با این فرض که با توجه به یک‌سویه بودن استعاره‌ها در چهارچوب نظری زبان‌شناسی شناختی، این تحول، واژگونی ساده یک شباهت استعاری نیست و نشان‌دهنده دگرگونی درک شناختی سوژه‌های زیست-جهان باستانی و مدرن از رابطه شهر و تئاتر است. سعی این مقاله، تبیین علمی این دگرگونی تاریخی درون پارادایم شناختی است که در واقع بر اساس پرسش مرکزی این مقاله پیرامون امکان ترسیم شمایی کلی برای رابطه تاریخی شهر و تئاتر شکل گرفته است.

واژگان کلیدی:

تئاتر، پولیس، شهر، دانش شناختی، استعاره.